

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

صبح عاشورا



مرجع عالیقدر

حضرت آیت اللہ العظمیٰ صافی گلپایگانی مدظلہ العالی

دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی رحمته

- نام کتاب: صبح عاشورا
- مؤلف: حضرت آیت الله العظمی لطف الله صافی گلپایگانی مدظله الوارف
- ناشر: دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی مدظله الوارف
- چاپ اول ناشر (دوم کتاب): ربیع الاول ۱۴۴۳ / پاییز ۱۴۰۰
- شمارگان: ۳۰۰۰
- بها: ۲۰۰۰۰ تومان
- وبسایت: www.saafi.net
- پست الکترونیک: saafi@saafi.net
- آدرس پستی: قم/ انقلاب ۶ / پلاک ۱۸۱
- تلفن: ۳۷۷۵۵۵۴۳ (۰۲۵)

صبح عاشورا

بسم الله الرحمن الرحيم

السلام عليك يا أبا عبد الله الحسين

صبح روز عاشورا، صبح روز رستاخیز عظیمی است که بشریت در هولناک‌ترین مواقع و هراس‌انگیزترین ایستگاه‌ها قرار گرفت و در برابر حوادثی واقع شد که فرشتگان آسمانی را هم به شگفتی انداخت.

صبحی است سخت رهیب؛ مخاطراتی که در پی دارد و امتحاناتی که برای انسان پس از آن پیش می‌آید، چنان شکننده است که شکست‌ناپذیری در برابر شداید آن، جلوه امر محال و غیر ممکن را دارد؛ اگر آن سختی‌ها بر آسمان‌ها و زمین و کوه‌ها فرود می‌آمد، تحمل

آن را نداشتند و اگر توان همه افراد بشر را يك نفر داشته باشد باز هم توان غلبه بر شدايد و مصائب اين روز از صاحب آن، عجيب و حيرت‌انگيز است.

استقبال از اين روز، تنها در تاريخ انسانيت، از يك نفر صادر شده است^۱ و نه پيش از او سابقه داشته و نه بعد از آن اتفاق می‌افتد؛ يك نفر که از نظر ظاهري يك تن بود، اما از نظر معنا و بصيرت در معنويت و شخصيت يك عالم و عالم‌ها و پيش از آسمان‌ها و زمين و بهشت و آنچه در آنهاست بود، و همان مثال حقيقي و اکمل «الْصُّورَةُ الْإِنْسَانِيَّةُ هِيَ أَكْبَرُ حُجَجِ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ وَهِيَ الْكِتَابُ الَّذِي كَتَبَهُ بِيَدِهِ وَهِيَ الْهَيْكَلُ الَّذِي بَنَاهُ بِحِكْمَتِهِ...»^۲ بود، بزرگ‌مردی که در اين روز و در اين ميدان پر از آنچه در نظر همه وحشتناک و هول‌انگيز و غير قابل تحمل است، ایستاد.

۱. البته بزرگانی مثل ساير خمسة النجباء عليهم السلام نیز واجد همین قدرت روحی و توان عظیم ایمانی بودند ولی اجرای این برنامه عظیم و ایستادن در موقف تاریخی و بی‌نظیر به عهده حسین عليه السلام و بر دوش آن حضرت افتاد.

۲. هاشمی خوئی، منهاج البراعة، ج ۱۹، ص ۲۸۹. «صورت انسانی بزرگ‌ترین حجت‌های خداوند بر آفریدگانش است و کتابی است که به دست خود آن را نوشته است، و هیكلی است که به دست خود آن را بنا کرده است...».

آن کس که اصالت و شرف انسان، اوج عظمت خود و ارزش انسان را در تمام عوالم خلقت به همه مخلوقات و ممکنات نشان داد و آیاتی مثل «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ»^۱ و «فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ»^۲ و «إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ»^۳ را تفسیر نمود حسین است؛ حسین انسانیت، حسین ملائکه، حسین انبیا، حسین ابراهیم و موسی و مسیح، حسین محمد و علی و فاطمه، حسین حسن، حسین اسلام، حسین قرآن، حسین صبر و استقامت، حسین حق و عدالت، و بالأخره حسین خدا و حسین و حسین.

صبح روز عاشورا است؛ صبحی که آبستن مصائب جانگاهی است که حسین علیه السلام و اهل بیت و اصحابش باید به استقبال آنها بروند و از دین و قرآن و شرف آل محمد - صلوات الله علیهم - و شرف همه انسان‌های شریف، دفاع نمایند و در این روز، یگانه راهی را که طی کردن آن برای نخبگان در طول قرن‌ها میسر نمی‌شود، با عزت و سرافرازی طی نمایند.

۱. تین، ۴. «ما انسان را در بهترین صورت و نظام آفریدیم».

۲. مؤمنون، ۱۴. «پس بزرگ است خدایی که بهترین آفرینندگان است».

۳. بقره، ۳۰. «من حقایقی را می‌دانم که شما نمی‌دانید».

صبح عاشورا است، انبوه لشکر ظلم و ضد انسانی، لشکری که برای انجام بزرگ‌ترین جنایات آماده شده بودند، گروه معدود و به ظاهر اندک و از نخبگان عالم وجود را محاصره کرده بودند.

حسین علیه السلام و اصحابش با تصمیم قاطع و عزمی راسخ، به تمام دنیا و مردم آینده جهان و فرشتگان و همه، اعلام وجود می‌نمایند، و الله اکبر از آن عظمت ایمان و عظمت هدف و مقصد.

حسین علیه السلام اگرچه وجودش مالا مال از توجه خاص به خداوند متعال بود و اگرچه دلش در حد کمال، محکم و استوار بود و می‌دانست که در آن معرکه که دشمن همه شرارت‌ها را مرتکب می‌شود، نه خودش و نه اصحابش شکست نمی‌خورند، و با روحیه و قوت ایمان به خدا در خط خود و صراط مستقیم فداکاری در راه دین و استقبال از شهادت، دشمن را بیچاره می‌نمایند، با این همه مرد موحد و بنده خاص و خالص خدا همه چیز و همه نیروها را از او می‌داند و فقط او را حی و قیوم می‌شناسد، لذا با ابتهال تمام از خدا کمک می‌طلبند و اعلام و شوق و اعتماد به خدا می‌نمایند، و چنان دعا و ابتهال می‌کند که زبان و بیان ما از تقریر این حال شور و شوق و توجه حسین و اصحابش به خدا عاجز است.



حسین علیه السلام در این روز آنچه را که به ظاهر برای انسان عزیز است و برای حفظ آنها همه دعا می‌کنند، در ورطه خطر قطعی می‌بیند. او دعا می‌کند، اما دعایش نجات ظاهری از این ورطه و امتحان بزرگ نیست؛ دعا نکرد که خدایا جوانانم، و برادرانم را از این قتل و شهادت و اهل بیت را از اسارت، نجات بده و آنها و اصحابم را باقی بدار، یا شیرخوارم را مورد ترحم این اشرار قرار بده؛ نه! از این مقوله دعا نمی‌کرد و هیچ یک از اصحاب و یاورانش هم از این گونه دعاها نمی‌کردند؛ آنها همه به شهادت می‌اندیشیدند؛ به اینکه انصار خدا و انصار رسول خدا و انصار حق می‌باشند خوشحال و مسرور بودند، و چیزی که در فکر آنها نمی‌آمد، نجات از مرگ بود، آنها همه مستغرق در بحار توجه به خدا و نیل به فوز شهادت بودند، دعایشان این بود که در شهادت و دادن جان در راه خدا هرچه بیشتر و خالصانه و موفق‌تر عمل نمایند و فداکارتر باشند و در برابر ضربات تیرها و شمشیرها و نیزه‌های دشمن، شایق‌تر ایستادگی نمایند، کشته شدن در راه خدا و شهادت، فوز عظیمی بود که بالمعاینه می‌دیدند و با اختیار و اشتیاق تمام به سوی آن می‌رفتند.

دعای حسین علیه السلام در این موقع دعایی است که اوج پرواز روح آن حضرت را نشان می‌دهد، و ارتباط خاص و خالص او را با خدا بیان می‌کند. نکته‌های بزرگی که در این دعا و در این موقعیت است، چه آموزنده و سازنده است؛ این بالاترین مقام ربط و قرب آنان به خدا است، انسانی که تمام وجودش معنای

﴿إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ است، دعا این است:

«اللَّهُمَّ أَنْتَ ثِقَتِي فِي كُلِّ كَرْبٍ، وَأَنْتَ رَجَائِي فِي كُلِّ شِدَّةٍ، وَأَنْتَ لِي فِي كُلِّ أَمْرٍ نَزَلَ بِي ثِقَةٌ وَعِدَّةٌ، كَمْ مِنْ هَمٍّ يَضْعُفُ فِيهِ الْفُؤَادُ، وَتَقِلُّ فِيهِ الْحِيلَةُ، وَيَخْذُلُ فِيهِ الصَّدِيقُ، وَيَشْمَتُ فِيهِ الْعَدُوُّ، أَنْزَلْتَهُ بِكَ وَشَكَوْتُهُ إِلَيْكَ رَغْبَةً مِنِّْي إِلَيْكَ عَمَّنْ سِوَاكَ، فَفَرَّجْتَهُ عَنِّي وَكَشَفْتَهُ، فَأَنْتَ وَلِيٌّ كُلِّ نِعْمَةٍ، وَصَاحِبُ كُلِّ حَسَنَةٍ، وَمُنْتَهَى كُلِّ رَغْبَةٍ».^۲

۱. انعام، ۱۶۲. «بگو نماز و تمام عبادات من و زندگی و مرگ من همه برای خداوند پروردگار جهانیان است».

۲. ابومخنف ازادی، مقتل الحسین علیه السلام، ص ۱۱۵-۱۱۶؛ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۹۶. «خداوندا، تو تکیه‌گاه من در هر اندوه و امید من در هر سختی هستی. تو در هر پیشامدی تکیه‌گاه و مایه پشت‌گرمی منی، چه بسا غم‌های گرانی که دل در آن سست می‌گردد و چاره از کف می‌رود، دوست دست‌از‌یاری بر می‌داری و دشمن نکوهش می‌کنی، و من آن را به پیشگاه تو آورده‌ام و از آن به تو شکوه کردم و فقط به سوی تو رو کردم و نه دیگران، و چاره‌اش را از غیر تو نجستم، پس تو مرا گشایش دادی و آن غم‌ها را زدودی، خداوندا تو ولی هر نعمت و صاحب هر نیکی و غایت هر خواسته‌ای».

در این دعا که جمله‌های توحیدی آن را بزرگان علما و اهل معرفت و ارتباط با حقایق عالی و معانی متعالی باید شرح بدهند، و برهان قدرت ایمان و وثوق و اعتماد و امید امام علیه السلام به خداست به نکته‌های بزرگی اشاره شده است.

اول: توحید در مقام وثوق و اعتماد و اتکا، امام علیه السلام در اندوه‌ها فقط خدا را پشتیبان و تکیه‌گاه خود می‌داند و به احدی و هیچ کس غیر از خدا اعتماد و اتکا ندارد.

دوم: توحید در مقام رجا و امید که در این مرتبه و مقام نیز در هر شدت و سختی به او و حسن قضای او امیدوار است.

سوم: خدا را ستایش می‌نماید که در همه حالات و همه هم و غم‌ها هموم و غموم او را برطرف ساخته و غصه‌هایی را که دل را ضعیف می‌نماید و راه چاره در آنها بسته می‌شود و در آن دوست، شخص را وامی‌گذارد و دشمن، شماتت می‌نماید برطرف فرموده است. در اینجا و در این موقف هولناک نیز از خدا می‌خواهد که به او توان حفظ آن موقف را عطا کند و او را در تحمل این همه مصیبت‌ها و بلیات یاری فرماید که تا پایان راه، همه این مدارج و معارج را خودش و اهل بیت و اصحابش با عزمی خلل‌ناپذیر طی نمایند، و مشتاقانه، یکایک گردنه‌های خوفناک این

وادی را پشت سر گذارند و پیش بروند؛ و بروند و بروند، تا به جایی برسند که دیگر این عقل‌های ما از درک اوج آن عاجز است و همه قله‌های عظمت را فتح نمایند. این دعا و این ابراز اعتماد و وثوق به بهترین وجهی مستجاب شد، و حسین علیه السلام به آنچه اراده کرده بود و می‌خواست، رسید؛ همه مقاصدش حاصل شد، و همه حوایج حقیقی و خواسته‌هایش برآورده شد، همه یاران و اصحابش قله‌های بلند تقرب به خدا را فتح نمودند و برکات کار آنها تا روز قیامت، شکوفا و زنده و پایدار است و آیه شریفه ﴿مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ﴾^۱ در طول قرون و اعصار تا روز قیامت، تفسیر شد.

والسلام علی الحسین، وعلی أولاد الحسین، وعلی أصحاب الحسین،

ورحمة الله وبرکاته.

صبح روز عاشورای ۱۴۲۸ هجری قمری، عرض و تقدیم شد.

لطف الله صافی

۱. ابراهیم، ۲۴. «کلمه طیبه (و گفتار پاکیزه)، را به درخت پاکیزه‌ای تشبیه کرده که ریشه آن (در زمین) ثابت و شاخه آن در آسمان است».

کتاب نامه

✽ قرآن کریم.

الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، مفید، محمد بن محمد (م. ۴۱۳ق)،

بیروت، دار المفید، ۱۴۱۳ق.

مقتل الحسين علیه السلام، ابومخنف ازدی، لوط بن یحیی (م. ۱۵۷ق)، قم، المطبعة

العلمیة.

منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة، هاشمی خوئی، میرزا حبیب الله (م).

۱۳۲۴ق)، تهران، المكتبة الاسلامیة، ۱۴۰۰ق.